



چغازنبیل

بافت شهری و جنبه‌های
معماری در ایلام باستان

بهزاد مفیدی نصرآبادی

چغازنبیل
بافت شهری و جنبه‌های
معماری در ایلام باستان



تألیف

دکتر بهزاد مفیدی نصرآبادی

فهرست

۱۷	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۱۹	- نام ایلام در متون کتبی
۲۳	- محدوده جغرافیایی ایلام
۲۵	- ذیقورات‌ها
۳۳	فصل اول: نام باستانی شهر ایلامی در چغازنبیل و پیشینه پژوهش در آن
۳۹	فصل دوم: زمینه تاریخی و فرهنگی دوران ایلامی میانه
۴۵	فصل سوم: تعیین تاریخ ایجاد شهر و دوران حکومت اونتاش-نیریشا
۴۹	فصل چهارم: شرایط جغرافیایی چغازنبیل و اکوسیستم منطقه
۵۳	فصل پنجم: برنامه‌ریزی ایجاد شهر
۵۷	فصل ششم: جنبه آیینی و بُعد سمبولیک شهر در شرق باستان
۶۷	فصل هفتم: بررسی ابعاد و جنبه‌های اندازه‌گیری در ساختارهای معماری
۷۷	فصل هشتم: بررسی خصوصیات ساختاری بناها
۷۷	۱- ذیقورات
۷۷	۱-۱ شیوه ساخت ذیقورات
۹۳	۱-۲ بخش‌های مختلف ذیقورات
۹۳	- معبد ایشوئینک A
۹۷	- معبد ایشوئینک B
۱۰۴	- اتاق‌های انباری طبقه اول ذیقورات
۱۱۰	۳-۱ ارتباط بخش‌های مختلف ذیقورات
۱۲۲	۴-۱ بررسی کاربرد بخش‌های مختلف ذیقورات
۱۲۷	۲- معابد مختلف
۱۲۸	۱-۲ معبد ایشمه-کرب
۱۳۵	۲-۲ معبد کیریریشا
۱۳۸	۳-۲ بخش الحاقی در کنار معابد شمال غربی ذیقورات
۱۳۹	۴-۲ کارگاه مجاور مجموعه معابد شمال غربی ذیقورات

۱۴۲	۵-۲ معبد نپیریشا
۱۴۴	۶-۲ «معبد» مربع شکل در مجاورت دروازه جنوب شرقی حصار درونی
۱۴۵	۷-۲ «معبد» مربع شکل در مجاورت دروازه غربی حصار درونی
۱۴۶	۸-۲ معبد هیشمیتیک و روهوراتیر
۱۵۳	۹-۲ معبد پینیگیر
۱۵۸	۱۰-۲ معبد اداد و شالا
۱۵۹	۱۱-۲ معبد شیموت و پلت-آلی
۱۶۰	۱۲-۲ معبد خدایان ناپراتپ
۱۶۴	۱۳-۲ «معبد نوسکو»
۱۶۶	۱۴-۲ جمع‌بندی خصوصیات ساختاری معابد در چغازنبیل
۱۶۶	- ابعاد معابد
۱۶۹	- تعداد فضاها و نوع آنها
۱۷۰	- ارتباط فضاها با یکدیگر و امکان دسترسی به آنها
۱۷۳	- امکانات تعبیه شده در فضاها
۱۸۲	- جهت ورود به معابد
۱۸۳	۱۵-۲ روند تحول معابد در چغازنبیل
۱۸۸	۳- کاخ‌ها
۱۸۹	۱-۳ کاخ شماره ۲
۱۹۳	۲-۳ کاخ شماره ۳
۲۰۰	۳-۳ خصوصیات کاخ‌ها در چغازنبیل در مقایسه با ساختارهای بزرگ مسکونی در شوش
۲۰۷	۴- آرامگاه‌ها و گورهای چغازنبیل
۲۰۸	۱-۴ نگرشی بر مراسم تدفین
۲۱۱	۲-۴ ساختمان آرامگاه‌ها
۲۲۳	۳-۴ آرامگاه کوچک ۱
۲۲۴	۴-۴ آرامگاه کوچک ۲
۲۲۴	۵-۴ آرامگاه کوچک ۳
۲۲۵	۶-۴ گورها
۲۲۶	۷-۴ موقعیت مقابر و گورها در شهر
۲۲۷	۵- حصارهای شهر و دروازه‌های آنها
۲۲۹	۱-۵ حصار درونی
۲۳۰	- دروازه شمال شرقی حصار درونی
۲۳۰	- دروازه شرقی حصار درونی
۲۳۱	- دروازه بزرگ جنوب شرقی حصار درونی
۲۳۶	- دروازه غربی حصار درونی
۲۳۶	- دروازه شمالی حصار درونی
۲۳۶	- اتاق‌های واقع در ضلع جنوب غربی حصار درونی
۲۳۸	- سیستم دفع آب باران در محوطه حصار درونی
۲۴۱	- کاربرد حصار درونی

۲۴۲ ۲-۵ حصار میانی
۲۴۶ - برج «نور جهان» بر روی حصار میانی
۲۵۴ - دروازه بزرگ جنوب شرقی حصار میانی
۲۶۰ - دروازه کوچک جنوب شرقی حصار میانی
۲۶۱ - دروازه جنوب غربی حصار میانی
۲۶۲ - دروازه شمال شرقی حصار میانی
۲۶۴ - راه‌های ارتباطی محوطه مقدس
۲۶۶ - سیستم دفع آب در محوطه حصار میانی
۲۶۷ ۳-۵ حصار بیرونی
۲۶۸ - دروازه جنوب شرقی حصار بیرونی
۲۷۲ - مسیرهای محوطه شهر
۲۷۳ - سیستم دفع آب‌های باران در محوطه شهر
۲۸۱ فصل نهم: طراحی بافت شهر و حجم کارهای ساختمانی انجام شده
۲۸۱ ۱- طراحی بافت شهر
۲۹۰ ۲- حجم کارهای ساختمانی در هنگام ایجاد شهر
۲۹۱ ۱-۲ حجم خشت، آجر و ملات به کاررفته
۲۹۵ ۲-۲ حمل مصالح از محل تولید به محل ایجاد ساختارها
۲۹۷ فصل دهم: سکونت و شیوه اقتصادی شهر
۲۹۹ ۱- گستردگی و حجم فضاهای مسکونی در داخل شهر
۳۰۳ ۲- ساختار و فضابندی خانه‌های مسکونی
۳۰۴ ۱-۲ تحلیل ساختاری خانه‌های محوطه کاوش B
۳۰۹ ۲-۲ تحلیل ساختاری بناهای محوطه کاوش C
۳۱۵ ۳- خصوصیات اقتصادی بخش مسکونی ۲ در جنوب محوطه حصار میانی
۳۲۳ نمایه
۳۲۵ اسامی اشخاص تاریخی
۳۲۷ اعلام خاص
۳۲۹ اسامی خدایان
۳۳۱ اسامی شهرها و مناطق جغرافیایی
۳۳۳ کتابنامه

مقدمه

قبل از پرداختن به مبحث شهر ایلامی در چغازنبیل^۱، لازم است توضیحات کوتاهی درباره چند نکته آورده شود تا پیش‌زمینه‌ای برای درک بهتر مباحث ایجاد گردد. البته بخش عمده‌ای از پدیده‌های فرهنگی و تاریخی در رابطه با ایلام باستان هنوز ناشناخته هستند. با وجود این، کوشش می‌شود در اینجا اطلاعات موجود دانش امروزی درباره این نکات به اختصار تشریح شوند. در این رابطه، سه موضوع که به کرات درباره آنها از من سؤال شده است، یعنی نام ایلام، گسترش این سرزمین و همچنین ذی‌قورات‌ها یا، به عبارت دیگر، معابد مطبق، در ادامه تشریح می‌شوند.

- نام ایلام در متون کتبی

کهن‌ترین منابعی که در آنها نام ایلام ذکر شده متعلق به میانرودان (بین‌النهرین) و مربوط به هزاره سوم پیش از میلادند.^۲ در متون سومری این دوران، برای نامیدن کشور ایلام از علامت NIM به همراه پسوند KI، که به معنی سرزمین است، استفاده شده است. از آنجا که (igi-)nim در زبان سومری به معنی «بلند» است، برخی محققان بر این نظر بوده‌اند که منظور سومریان از NIM.KI «سرزمین بلند» بوده، زیرا ایلامیان در منطقه کوه‌های زاگرس زندگی می‌کردند. این کلمه گاهی نیز با پسوند آوایی ma به صورت NIM.MA.KI نوشته شده است. با توجه به اینکه نام ایلام در یکی از نامه‌های شاه سومری، شولگی^۳، به صورت آوایی é-nam آمده است،^۴ مانفرد کریپرنیک عنوان کرده که علامت nim می‌توانسته به صورت آوایی مانند nam به کار رفته باشد.^۵ تبدیل همخوان‌های n و l در زبان سومری به عنوان مثال در کلمه kanam به جای kalam نیز دیده می‌شود و غیرعادی نیست. بنابراین حالت enam در نوشته شولگی به جای elam می‌تواند امری مشابه بوده باشد. در لغتنامه‌ها همواره NIM برابر با حالت‌های آوایی e-la-am و e-lam ذکر شده است.^۶

۱. چغازنبیل به زبان لری به معنی «تپه زنبیل» است. گویا این نامی است که کارگران لر در حفاری‌های هیئت فرانسوی به این محل داده‌اند. در این مورد همچنین نگاه کنید به فصل اول، بخش پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی.

۲. برای کهن‌ترین منابع در خصوص نام ایلام، نک: Krebernik 2006, footnote 10

3.Šulgi

۵ نک: Krebernik 2006, 62-64

۴. برای این متن، نک: Edzard 1974, 16, 20

۶ برای منابع آن، نک: Krebernik 2006, footnote 12

ایلامیان خود سرزمینشان را هَلْتَمْتی^۱ یا، به صورت ساده، هَمْتَمْتی^۲ می نامیدند. زبان آنها با هیچ یک از زبان‌های اقوام دیگر منطقه، چون سومری‌ها و اکدی‌ها، نسبتی نداشته و آنها در این منطقه قومی مستقل بوده‌اند. کهن‌ترین متن ایلامی که این اسم در آن آمده، مربوط به زمان حکومت شاه ایلامی، سیوه-پالار-هوپک^۳، است^۴ که تقریباً هم‌دوره حمورابی بوده و بر اساس «تاریخ‌نگاری کوتاه»^۵ حدود ۱۶۵۰ پیش از میلاد حکومت می‌کرده است.^۶ این امکان نیز وجود دارد که در متنی قدیمی‌تر مربوط به دوران حکومت نرم-سین^۷ از شاهان سلسله اکد در میانرودان، نام کشور ایلام به صورت «هَمْتَمْتی» آمده باشد. در این متن که متعلق به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد است، بخشی از یک واژه به صورت «هَت...» باقی مانده که احتمال دارد «هَمْتَمْتی» بوده باشد.^۸ البته این امر به علت فرسایش شدید لوح جای تردید دارد.

در متون اکدی به طور کلی کشور ایلام به صورت Elamtum نوشته شده است. جالب توجه است که در این متون نیز گاهی از هزوارش NIM با پسوند آوایی استفاده کرده‌اند؛ به عنوان مثال، این کلمه به صورت NIM-tim آمده که منظور Elamtum یعنی حالت اضافه از Elamtum است. مسلماً در متون متأخرتر به علت حذف «م» از پایان کلمات اکدی، واژه مذکور به صورت Elamtu نوشته شده و این امر موجب گشته که در متأخرترین متون، نام ایلام حتی به صورت الامات (Elammat) تغییر یابد.^۹

با توجه به توضیحات بالا، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که هر دو حالت سومری و اکدی مشابه‌اند. در سومری اکثراً از هزوارش NIM برای Elam استفاده شده و در اکدی گاهی همین هزوارش به کار رفته و گاهی این کلمه به صورت آوایی نوشته شده است. تنها تفاوت بین حالت سومری و اکدی استفاده از پسوند tum در اکدی است. به عبارت دیگر، این سرزمین را سومری‌ها Elam و اکدی‌ها Elamtum نامیده‌اند.

در کتب و مقالات قرن گذشته، تعدادی از محققان Elamtum را به واژه اکدی elû به معنی «بلند» ربط داده‌اند، بدون توجه به این امر که مشتق این فعل باید فاقد همخوان m باشد. به همین دلیل برخی کوشش کرده‌اند Elamtum را کلمه مرکبی از دو بخش elû و mātum تفسیر کنند که بخش اول به معنی «بلند» و بخش دوم به معنی «سرزمین» است. با این فرضیه، آنها حالت اکدی این واژه را به کلمه سومری مذکور در بالا (NIM) ربط داده و کل کلمه را مجدداً همان «سرزمین بلند» معنی کرده‌اند. مسلماً در زبان اکدی جای صفت و موصوف برعکس است و چنین فرضیه‌ای قابل قبول نیست، زیرا «سرزمین بلند» به زبان اکدی mātum elitum می‌شود و نه برعکس.

همان‌طور که مانفرد کربنیک استدلال کرده، ربط دادن واژه اکدی elû به حالت اکدی Elamtum، از دیدگاه ریشه‌شناسی و ساختاری لغت قابل قبول نیست.^{۱۰} وی و اکثر محققان امروزه بر این عقیده‌اند که واژه‌های سومری Elam و اکدی Elamtum به احتمال زیاد از واژه ایلامی هلتممتی (Haltamti) گرفته شده‌اند. این نظریه برای اولین

1. Haltamti
3. Siwe-palar-hupak

2. Hatamti

۴. برای متن مزبور، نک: König 1965, no. 3

۵. در تاریخ‌نگاری شرق باستان مربوط به هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد، چند معیار وجود دارد که اصلی‌ترین آنها «تاریخ‌نگاری بلند»، «تاریخ‌نگاری متوسط» و «تاریخ‌نگاری کوتاه» هستند. در این مورد نک: Åström 1987

۶. برای تاریخ‌نگاری شاهان ایلامی در این دوران، نک: Mofidi-Nasrabadi 2009, 29

7. Narām-Sin

۸. این متن تحت عنوان قرارداد نرم-سین معروف است که با یکی از حاکمان ایلامی بسته شده است (Hinz 1967, 79).

۱۰. نک: Krebernik 2006, 65

۹. نک: Krebernik 2006, 64

بار توسط پوبل اظهار شد.^۱ والتر هینتس، هلمتی را از دو بخش «هل» (hal) به معنی سرزمین و «تمپت» (tempt) به معنی «سرور» یا «خدا» می‌داند و کل کلمه را هلمتپت (Haltempt) به معنی «سرزمین خدایان» عنوان کرده است.^۲ به نظر کربرنیک شکل اولیه ایلامی به صورت Ha(l)tamt بوده و سومری‌ها این کلمه را گرفته‌اند، ولی حرف t که در پایان کلمات سومری کاربردی نداشته، از آن حذف شده و کلمه نهایتاً به صورت Elam درآمده است. بر خلاف آن، در زبان اکدی حرف t در آخر واژه هلمتی به عنوان پسوند مؤنث tum تصور شده و به همین دلیل به صورت Elamtum نوشته شده است. جالب توجه است که در زبان عبری نیز پسوند tum یا به عبارت دیگر حرف t حذف شده است. به این ترتیب با این که زبان عبری با اکدی هم‌خانواده است، ولی شکل عبری کلمه شبیه حالت سومری آن است و نه شبیه حالت اکدی. به نظر می‌رسد که این اسم در عبری از حالت قدیمی سومری که همواره زبان علمی محسوب می‌شده، اقتباس شده باشد و نه از زبان اکدی. از سوی دیگر در عبری نام ایلام با حرف «ع» شروع شده (עלם) و این کلمه متشکل از حروف «ع»، «ی»، «ل» و «م» است. در این رابطه، برای حرف e در کلمه سومری e-lam از «ع» استفاده کرده‌اند. در متون عبری اضافه کردن حروفی چون «ع»، «ه» و «خ» در ابتدای کلمات سومری که با e یا i شروع می‌شدند، در موارد دیگر هم دیده می‌شود. به عنوان مثال، همان‌طور که کربرنیک نیز اشاره کرده است،^۳ کلمه عبری «هیكل» (עֵיֶקֶל) به معنی کاخ از سومری é-gal اقتباس شده که در ابتدای آن، حرف «ه» اضافه شده است. همچنین رود دجله به عبری «هیددکل» و یا «خیددکل» (חֵידְדִּקֶל) گفته می‌شود که از سومری idigna اقتباس شده^۴ و در یک حالت، حرف «ه» و در حالت دیگر، حرف «خ» در جلوی آن نهاده شده است. مورد مهم دیگری نیز این امر را به وضوح نشان می‌دهد. واژه سومری edin که به معنی «دشت» است در زبان عبری به کار رفته و از سه حرف «ع» و «د» و «ن» (עֵדֶן) تشکیل شده است. در اینجا نیز در زبان عبری به جای حرف e که در اول کلمه سومری edin است، از «ع» استفاده کرده‌اند. این واژه از زبان عبری به زبان عربی و متعاقباً به فارسی نیز وارد شده و امروزه به عنوان مثال در اصطلاح «صحرای عدن» استفاده می‌شود. در زبان اکدی، این واژه سومری گاهی به صورت edinu به کار رفته، ولی معمولاً مترادف اکدی آن را که sērum بوده، استفاده کرده‌اند. جالب توجه است که در این مورد نیز عبری‌ها حالت سومری این کلمه را اقتباس کرده‌اند و نه مترادف آن را در زبان اکدی. بنابراین در متون عبری استفاده از «ع» در ابتدای کلمات سومری که با حرف e شروع می‌شدند، امری عادی است.

به همین شیوه، واژه سومری elam نیز در عبری با «ع» شروع شده؛ یعنی به جای حرف e در ابتدای این کلمه از «عین» استفاده کرده‌اند. این شیوه نوشتاری عبری‌ها در زبان عربی نیز، که با عبری هم‌خانواده است، وارد شده و کلمه مذکور به صورت «عیلام» ضبط شده است. سرزمین ایلام در منابع عبری به شخصی بنام «عیلام» نسبت داده شده که در قدیمی‌ترین متون عبری یعنی سفر پیدایش باب ۱۰، ۲۱-۲۲ به عنوان پسر سام ذکر شده است. جالب توجه است که برخی برادران عیلام مانند آشور و آرام نیز نام‌های ویژه اقوام مختلف منطقه بوده‌اند که در زمره اقوام سامی هستند. البته بر خلاف اقوام آشوری و آرامی، ایلامی‌ها سامی نبودند، ولی با این حال، عبری‌ها آنها را به یکی از پسران سام نسبت داده‌اند.

۲. نک: Hinz 1964, 18; 1971, 644

۱. نک: Poebel 1931-32

۳. نک: Krebernik 2006, 66

۴. در سومری ضبطی نیز برای واژه «دجله» وجود دارد که دارای صدای «ل» است (id-da-la). در این رابطه، نک: Krebernik 2006, footnote 31

در متون عبری، کلمه «عیلام» به عنوان یک منطقه در عهد عتیق در کتاب دانیال، باب ۸، سطر ۲ آمده که در آن شوش را قلعه‌ای در منطقه «عیلام» برشمرده است. این بخش در اصل یکی از جدیدترین متون عهد عتیق است. با اینکه متن مزبور آن را مربوط به سده ششم پیش از میلاد معرفی می‌کند، ولی در حقیقت در زمان جنگ و مقاومت یهودیان علیه حاکم سلوکی، آنتیوخوس چهارم، بین سال‌های ۱۶۷ تا ۱۶۴ پیش از میلاد مسیح نوشته شده است.^۱ به این ترتیب، در ابتدا یعنی در متون قدیمی‌تر عبری، از «عیلام» به عنوان پسر سام نام برده شده که «عیلامیان» به عنوان یک قوم به او نسبت داده شده‌اند و در متأخرترین متون، منطقه آنها نیز به نام «عیلام» در مجاورت شوش ذکر شده است. این تفکر از طریق متون عبری به منابع فارسی نیز وارد شده است.

البته در بعضی منابع عبری معاصر، ضبط «ایلامتو» و یا «علامتو» نیز به کار رفته و تفسیرهای نادرستی در باب آنها ارائه شده است. به عنوان مثال، «ایلامتو» را ترکیبی از واژه‌های سامی «ایلا» به معنی «الهه» و «متو» به معنی «سرزمین» دانسته و آن را به عنوان «ارض اله، منزل اله» ترجمه کرده‌اند. در رابطه با شیوه نوشتاری «علامتو» نیز آن را ترکیبی از «علا» و «متو» به معنی «المنزل العالی» تفسیر کرده‌اند. همچنین حتی واژه ایلامی «هلتمتی» در برخی متون عبری به صورت «هیلتمتی» ارائه و به عنوان ترکیبی از «هیلات» و «متی» عنوان شده که در آن «هیلات» را مترادف «الات» و حالت مؤنث «اله» فرض کرده و آن را به همراه «متی» در مجموع به معنای «سرزمین الهه‌ها» ترجمه کرده‌اند. مسلماً تفاسیر فوق بیشتر جنبه عامیانه دارند و بر پایه علمی دقیقی استوار نیستند. جالب توجه است که در این موارد نیز، مانند متون قدیمی عبری، همان پدیده سامی جلوه دادن ایلامیان مشاهده می‌شود. تمامی فرضیات مذکور از ابتدای کار، این کلمه را سامی تصور کرده و کوشیده‌اند معنایی در زبان‌های سامی برای آن پیدا کنند.^۲ جالب توجه است که حتی کلمه ایلامی «هلتمتی» را واژه‌ای عبری و یا واژه‌ای مربوط به زبان‌های دیگر سامی فرض کرده‌اند. مسلماً این امر به دلیل ارتباط دادن ایلامیان به «عیلام» به عنوان پسر سام در متون عبری است که در فرهنگ عامیانه به شکل‌های مذکور تفسیر شده است.

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، امروزه اکثر محققان بر این باورند که واژه‌های سومری Elam و اکدی Elamtum از واژه ایلامی هلتمتی (Haltamti) اقتباس شده است. مسلماً بر همه زبان‌شناسان واضح است که زبان ایلامی نسبتی با زبان‌های سامی نداشته و ایلامیان قوم مستقلی در منطقه بوده‌اند. با توجه به ریشه اصلی ایلامی این کلمه، تحریر آن با حرف عبری «ع» (که واجگاه حلقی دارد) به شکل «عیلام» مسلماً نه تنها اشتباه است، بلکه موجب سوء تفاهم خواهد شد؛ زیرا فرضیه‌های مردود بالا را تداعی می‌کند که از یک سو این کلمه از واژه اکدی elû، مترادف «غلی» در عبری، مشتق شده است و از سوی دیگر ایلامیان منسوب به عیلام، پسر سام، بوده‌اند. حرف «ع» در اصل برای اولین بار در متون عبری به نام‌جای سومری Elam اضافه شده و این امر، همان‌طور که در بالا تشریح شد، ربطی به ریشه کلمه ندارد و در هنگام اقتباس آن از متون میخی رخ داده است. بنابراین در اینجا ترجیح داده می‌شود این واژه به صورت «ایلام» آورده شود تا سوء تفاهمی در تفسیر آن پیش نیاید. البته صحیح‌ترین شیوه، در واقع، استفاده از شکل اصیل کلمه به صورت «هلتمتی» است، ولی چون این واژه در زبان فارسی نامأنوس است، استفاده از آن در حال حاضر می‌تواند موجب ابهامات بیشتری شود.

۱. در این مورد، نک: Gese 1991

۲. معروف‌ترین زبان‌های زنده سامی امروزه عربی و عبری هستند. لهجه‌هایی از زبان آرامی نیز هنوز در بعضی مناطق سوریه کاربرد دارند. بر خلاف آن، زبان اکدی دیگر جزو زبان‌های زنده نیست. البته این زبان قبل از زبان‌های دیگر سامی به خط میخی مکتوب شده است.

مسلماً نام شهر و استان امروزی ایلام که در دوران باستان بخشی از مناطق ایلامیان بوده است در سال ۱۳۰۷ در چهارچوب ضوابط جدید کشوری از نام این قوم باستانی گرفته شده است. شایان ذکر است که در مباحث امروزه در رابطه با زبان‌ها و گویش‌های مختلف کشور، گاهی از اصطلاح «گویش کردی ایلامی» استفاده می‌شود که از منظر زبان‌شناسی متناقض است و شبیه ایجاد می‌کند. زبان کردی از خانواده زبان‌های هند و اروپایی است؛ در حالی که زبان ایلامی زبان مستقلی بوده که هیچ نسبتی نه با زبان‌های هند و اروپایی و نه با زبان‌های سامی داشته است. بنابراین به کارگیری اصطلاح «گویش کردی ایلامی» ممکن است موجب ابهام شود. مسلماً منظور از این اصطلاح، گویش طوایف کردی است که در استان امروزی ایلام زندگی می‌کنند و منظور از آن، نسبت دادن زبان کردی به زبان ایلام باستان نبوده است. اصطلاح اصلی و قدیمی‌تر برای این گویش کردی جنوبی، «کردی فیلی» است که، به عنوان مثال، هنوز در عراق به کار می‌رود.

- محدوده جغرافیایی ایلام

گسترش و حدود سرزمین ایلام هنوز به درستی مشخص نیست. در متون شاهان سلسله اکد در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، مناطق مختلفی به این کشور نسبت داده شده است. ریموش^۱، شاه اکدی، در یکی از نوشته‌هایش تشریح می‌کند که مانند پدرش، سارگون اول، مناطق برهشوم^۲ و ایلام را تصرف کرده و چگونه لشکریان این دو منطقه را بین آوان و شوش در کنار رود قبلیتوم^۳ شکست داده و شهرهای ایلام را فتح کرده است.^۴ در این نوشته برهشوم به عنوان منطقه‌ای در کشور ایلام ذکر شده است. همچنین در نوشته‌ای از گودئا^۵، حاکم سومری، آ نشان به عنوان بخشی از ایلام نام برده شده است.^۶ امروزه مشخص است که آ نشان در تل ملیان امروزی در دشت بیضا در نزدیکی شیراز بوده است.^۷ بنابراین وسعت سرزمین ایلام در این زمان حداقل استان‌های امروزی خوزستان و فارس، ایلام و بخشی از لرستان را در بر می‌گرفته است. در رابطه با موقعیت آوان که گویا یکی دیگر از مناطق ایلامی بوده، هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست. برخی آن را از نواحی شمالی خوزستان در لرستان امروزی دانسته و برخی حدس زده‌اند که در استان فارس امروزی واقع بوده باشد. این فرضیات به علت کمبود منابع، مستدل نیستند. همچنین هنوز به درستی روشن نیست که آیا مناطق مختلف ایلامی در این دوران تحت حکومت یک شاه واحد اداره می‌شدند و یا هر منطقه برای خود حکمران مستقلی داشته است. در متون شاهان اکدی معمولاً برای هر منطقه شاه خاصی نام برده شده است.^۸ کهن‌ترین منابعی که نشان‌دهنده وجود یک حکومت مرکزی هستند مربوط به

1. Rimuš
3. Qablītum

2. Barahšum

۴. نک: Gelb/Kienast 1990, 205-219, Rimuš C6-C10

5. Gudea

۶. برای این نوشته، نک: Hansman 1972, 101, footnote. 10

۷. در مورد شناسایی محل شهر باستانی آ نشان، نک: Reiner 1973a

۸. در لوحی که در شوش پیدا شده و تحت عنوان فهرست شاهی معروف است، ۱۲ شاه سلسله آوان و ۱۲ شاه سلسله شیماشکی نام برده شده‌اند. در کتب قدیمی معمولاً این شاهان به عنوان حکمرانان ایلام در هزاره سوم پیش از میلاد معرفی می‌شوند. لازم به تذکر است که با توجه به منابع دیگر، صحت این فهرست جای شک دارد و نمی‌توان به آن به عنوان یک منبع دقیق تاریخی استناد کرد. فقط برخی از این شاهان این فهرست هویت تاریخی داشته‌اند. در این مورد،

نک: Mofidi-Nasrabadi 2009, 3-5

در حدود سده ۱۳ پیش از میلاد، شهر باستانی دوران ایلامی میانه با نام ال - اونتاش - نپیریشا در جغازنبیل امروزی در خوزستان بنیاد نهاده شد. کتاب حاضر حاصل مجموعه تحقیقاتی است که از سال ۱۳۷۹ تا کنون درباره این شهر باستانی توسط مؤلف صورت گرفته است. در طراحی و ساخت این شهر عوامل مختلف مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش داشته‌اند؛ از این رو، در این پژوهش نه تنها اصول معماری، بلکه جنبه‌های گوناگون فرهنگی تمدن کهن ایلامی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

